

شبکه عوامل، زمینه‌ها و راه حل‌های مسأله حجاب در دانشگاه‌های ایران؛ بایسته‌های برنامه ریزی فرهنگی با استفاده از نظریه زمینه‌ای*

سید مجید امامی^۱
محمدکاظم طاهری^۲
سید مجید مطهر نژاد^۳

چکیده

هدف: وصول به برنامه راهبردی و اتخاذ خط مشی مناسب در حل مسأله فرهنگی- اجتماعی از لوازم مدیریت فرهنگی آموزش عالی و تحقق آن در قالب اسلامی شدن دانشگاه در ایران بوده و هست. یکی از مبادی و محیط‌های زاینده دغدغه‌های فرهنگی در ایران معاصر، که اتفاقاً با طرح مسأله حجاب، عجمین و متقارن بوده است دانشگاه است. هدف مقاله اکتشافی حاضر، کشف اجماع و استقراء دیدگاه‌های نخبگان علمی و اجرایی حوزه "مسأله حجاب و فرهنگ دانشجویی" برای امروز و فردای این موضوع حساس بود. **روش:** روش مورد استفاده تکنیک کیفی نظریه زمینه‌ای میسر بود. **یافته‌ها:** به لحاظ نتیجه مقاله در صدد ارائه الگویی همبسته بوده است که نسبت بین مسأله و راه حل را بازسازی نموده و نظام‌نامه راهبردی ارتقاء حجاب و عفاف در محیط دانشگاه را پشتیبانی نماید. **نتیجه گیری:** نویسندگان پس از طرح مسأله و چهارچوبی مفهومی، دیدگاه‌های ۱۶ نمونه انتخابی را در سه سطح عوامل، زمینه‌ها و راه حل‌ها بازسازی و در الگویی نظری ارائه کرده اند.

واژگان کلیدی: مسأله حجاب، فرهنگ دانشگاهی، برنامه ریزی فرهنگی، نظریه داده بنیاد، ارتقاء عفاف و حجاب

◇ دریافت مقاله: ۹۲/۱۱/۱۵؛ تصویب نهایی: ۹۳/۰۵/۲۲ .

* این مقاله برگرفته از پژوهشی با عنوان تدوین نظام نامه بهسازی حجاب و عفاف در دانشگاه هاست که به سفارش پژوهشکده مطالعات فرهنگی- اجتماعی وزارت علوم، توسط گروه دین، فرهنگ و ارتباطات مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع) انجام شده است.

۱. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات، گرایش سیاستگذاری دانشگاه امام صادق (نویسنده مسئول) / آدرس: تهران، بزرگراه

چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق، مرکز تحقیقات / شماره ۸۸۵۷۵۰۲۴ / [Email: sm.emami@isu.ac.ir](mailto:sm.emami@isu.ac.ir)

۲. کارشناس ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق.

۳. دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی وزارت علوم.

اتخاذ سیاست عالمانه و جامع و تامین و طراحی برنامه‌ها و اقدامات مرتبط و متناسب در هر نظام رسمی ضرورت دارد. نظام آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران در کنار تکالیف آموزشی و اداری و پژوهشی دارای ماموریت‌های فرهنگی سترگی است. یکی از حساس‌ترین و مهمترین آنها که به نحوی با کارآمدی آن هم گره خورده است؛ تأمین محیطی عقیف و امن به لحاظ جنسیتی است تا با مدیریت رفتار فرهنگی روابط انسانی، دانشگاه را مستعد اهداف متعالی بدارد. این مهم مسبوق به رعایت حجاب اسلامی در شرایط مختلط، احتراز از اختلاط‌های غیر ضرور، عفت و پیشگیری‌های شخصی و محیطی در مناسبات خواهد بود. در ویرایش دوم سند دانشگاه اسلامی به مثابه پیشانی رهیافت و مواجهه نظام با دانشگاه به این مسأله مستقلاً پرداخت شده است. در بین اهداف سند دانشگاه اسلامی اهداف ۹، ۱۰ و ۱۲ مرتبط با مسأله حجاب و عفاف می‌باشد:

۹- تحقق سبک صحیح زندگی اسلامی

۱۰- ارتقای مستمر و نظام‌مند بعد علمی مهارتی و اخلاقی دانشگاهیان

۱۲- احیاء و ارتقای نقش خانواده در فرایند تعلیم و تربیت (سند دانشگاه اسلامی مصوب جلسه ۳۳۵ مورخ

۹۲/۴/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

اما در راهبردها به نحو جدی به مسأله حجاب و آراستگی پوششی کنشگران دانشگاهی پرداخته شده است. مثلاً در راهبرد ۱۴ از بخش فرهنگی سند نظام آموزش عالی مکلف به "نهادینه سازی فرهنگ عفاف و حجاب، ساماندهی فضای عمومی دانشگاه‌ها و حفظ شئون محیط علمی دانشگاه" شده است یا در راهبردهایی غیر مستقیم به این مسأله پرداخته شده که دلالت تضمینی و یا التزامی آن بسیار مهم است مثلاً راهبرد ۱۵ و اقدامات آن که به موضوع خانواده و تقویت مناسبات آن با دانشگاه و زندگی دانشجویی مربوط می‌شود، به عوامل زمینه‌ای صیانت و امنیت روانی دانشجو و بهسازی فرهنگ و وضعیت حجاب نظر دارد^۱. نیز راهبرد ۱۶ مستقیماً به سامان دهی مناسبات جنسیتی و جنسی وارد شده است که نشان از درک و احساس جدی این چالش نزد طراحان و مصوبان بوده است:

متن راهبرد: اهتمام بر اصل خانواده محوری و ترویج و تسهیل ازدواج دانشجویی و تبیین موازین دینی و اخلاقی ارتباط مشروع و برقراری محرمیت حسب شرایط و مقتضیات در جهت رفع نیازهای معقول و واقعی

دانشجویان (سند دانشگاه اسلامی مصوب جلسه ۳۳۵ مورخ ۹۲/۴/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

^۱ - اقدامات ذیل راهبرد این را نشان می‌دهد مانند «اقدام ۱۵- ۴: اطلاع رسانی از وضعیت تحصیلی دانشجویان به خانواده‌ها

و ارتقاء دانش و بینش و به ویژه مسئولیت پایان‌ناپذیر تربیتی والدین در قبال فرزندان دانشجو»

ب) طرح مسأله

سه پدیده و واقعه اجتماعی در جامعه ایران دارای رخداد پذیری^۱ فوق العاده بالا، تاریخت^۲ و هم طرازی گفتمانی هستند و سرنوشت‌شان به شدت بهم گره خورده است، و حجاب یا بی حجابی اجباری در ایران نیازمند بررسی‌های نه تاریخی بلکه دیرینه شناختی و دیگر رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی است. دیرینه‌شناسی سیاست‌های فرهنگی اما، سنت معروف و مرسوم نیست و البته خارج از نقد هم نمی‌باشد. "دانشگاه" به معنای نهاد و نظام معرفتی متغایر از میراث سنت در جامعه ما، نخستین بار و حتی پیش از تأسیس دانشگاه تهران، در "دانشسرای عالی" و "دارالمعلمین" محقق شد. "سیاستگذاری اجتماعی" و تصرف دولت ورزانه در جامعه هم دقیقاً در همین فضا و در سرآغاز دولت شبه مدرن پهلوی رخ داد و نهایتاً "مسأله‌مندی و مسأله شدن حجاب"، محصول برنامه و فرمان کشف حجاب رضاخانی بود که از ۱۳۱۴، شکل جدیدی به بافت اجتماعی حجاب بخشید. از این "هم زمانی" و تجانس ناشی از آن نمی‌توان به سادگی عبور کرد و مفاهیم و سپهر گفتمانی جدید ناشی از هر سه پدیده را باید با هم شناخت. نگاه امروز دانشگاه به الزام حجاب و نگاه کنشگران مذهبی و محجبه را به دانشگاه باید در همین سپهر جستجو کرد. اساساً با همسازی دال‌ها و مدلول‌های سیاسی-اجتماعی و درک تأثیر و تأثر آن‌ها بر هم از مهمترین دریافت‌های سنت پساساختارگرا در علوم اجتماعی است.^۳ در یک طرح پساساختاری از مسأله، تصرف در جامعه ایرانی از سوی هر دولتی با سرنوشت کشف حجاب رضاخانی پیوند می‌خورد (و البته این معنا مطلق نیست) و دانشگاه نیز نمی‌تواند خود را از خاطره پیشقراولی در ترک سنت حجاب رها سازد. بافت دانشگاه اقتضای روانی و اجتماعی لازم جهت کشف حجاب دختران و نیز نوعی دیگر از مدیریت پوشش و بدن مردان را فراهم می‌کرد و به سان منبعی فعال، این دگردیسی فرهنگی در جامعه ایرانی را تغذیه نمود. سرنوشت ناموفق نفی و محو حجاب میان شهروندان نیز همچنان بر ذهنیت مخاطبان و حتی مجریان سیاست فرهنگی در ایران حکمفرماست. لذا خط مشی گذاری و برنامه ریزی در این حوزه، امروز به آزمون کارآمدی یا ناکارآمدی نظام فرهنگی در ایران بدل گشته و اضطراری صعب و گردنه‌ای حساس را تداعی می‌نماید. از این رو سخن گفتن از سیاستگذاری فرهنگی حجاب و عفاف در محیط دانشگاه پیچیده و چند لایه است. برنامه ریزی و سیاستگذاری بدون مسأله‌شناسی اساساً آغاز نمی‌شود (هاولت و رامش، ۱۳۸۰: ۴۸). نظم بخشیدن به آشفتگی یا باز صورتبندی گروهی مسأله، حتی ماهیت راه حل و راهبرد را در برخی مکاتب برنامه ریزی شکل می‌دهد و مقدم بر برنامه ریزی هدف و برنامه ریزی و سیاه است (ایکاف، ۱۳۸۰). در واقع مسأله یا مشکل و راه حل یا راهبرد دوسویی متناظر هستند و بدون دیگری وجود ندارند. آرون ویلداوسکی

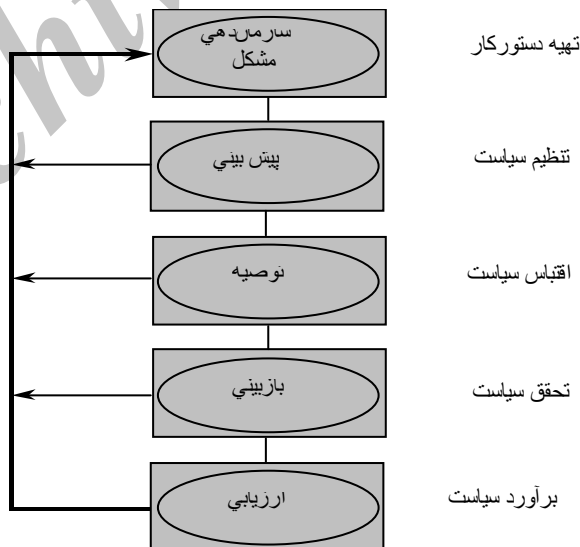
1. Contenjency

2- Historicity

3 - Laclau, E., & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London: Verso.

خلاقیت در تحلیل سیاست‌ها را منوط به یافتن مسأله‌ای می‌داند که در مورد آن‌ها کاری می‌تواند و باید انجام شود. او ضمن تأکید بر این نکته که راه حل، بخشی از توصیف و تعریف مشکل است، حکایتی را از یک سرباز در زلاندنو نقل می‌کند که برای ساختن پلی بر روی رودخانه، خدمه و مصالح کافی در اختیار نداشت. سرباز با یأس و ناامیدی به ساحل رودخانه خیره شده بود که در همین حین یک زن مائوری به او نزدیک شد. زن از او پرسید: "سرباز، چرا ناراحتی؟" و او در پاسخ اینگونه توضیح داد که با مشکلی مواجه شده که هیچ راه حلی ندارد. زن در پاسخ گفت: "بی‌خیال! مشکلی که راه حل ندارد، مشکل نیست." به نقل از دان، بی تا: ۲ (و ۱۳) با صورتبندی مشکلات می‌توان به دانش مرتبط با سیاست دست یافت. چنین دانشی فرضیات اصلی تعریف مشکلات را، که از طریق تهیه دستور کار وارد فرایند سیاست‌گذاری شده‌اند، به چالش می‌طلبد. صورتبندی مشکلات مشکل می‌تواند به ما در آشکار سازی فرضیات مکتوم، تشخیص علت‌ها، بازنمایی اهداف ممکن، ترکیب نظرات متضاد و طرح انتخاب‌های سیاستی جدید کمک کند (دان، بی تا: ۳۵). لذا چنانچه متناسب با رویه‌های تحلیل خط مشی مراحل کار در سیاستگذاری مشخص می‌گردد، سازماندهی مسأله است که می‌تواند موضوعی را وارد دستور کار^۱ یک سازمان یا نظام اجرایی کند و بدون صورتبندی مسأله، دستور کار مورد اجماع و قابل پیگیری نیست. مقاله حاضر تلاشی است برای مسأله شناسی حجاب در دانشگاه که طبعاً راه حل‌های بیشماری را هم متبادر خواهد ساخت.

شکل ۱: تناسب رویه‌های تحلیل خط مشی برای مراحل مختلف سیاستگذاری (دان، بی تا: ۳۵)



ج) چهار چوب نظری

یک- نظام اجتماعی و جنسیت

جنسیت، ویژگی نوعی انسان و از مواهب و اسراری است که در خلقت هدفمند و متکامل و البته متنوع بشر، مندرج و طبع و طینت انسان بر آن اساس مقرر شده است. حد اقل در چهار آیه از قرآن کریم (۱۹۵ آل عمران، ۱۲۴ نساء، ۹۷ نحل، ۴۰ غافر) با ذکر دو گان مرد و زن و البته تصریح بر عدم دخالت جنسیت در سرتوشت اخروی و جایگاه الهی آن‌ها، این حقیقت به شیوایی بیان شده است. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷)

"عدم تشابه" که ماهیت این دوگانگی جنسیتی انسان‌ها در دو صورت زن و مرد را شکل می‌دهد، علاوه بر تفاوت در نظام حقوقی و اجتماعی که تالی آن است، بر نظام ارتباطی جامعه هم تبعاتی دارد که فهم چرایی و چگونگی این تبعات، نیازمند رویکردی استنباطی و استدلالی به احکام و گزاره‌های دینی است. تأکید اسلام بر عدم اختلاط زن و مرد در بیرون از دژ خانه (مگر به ضرورت) یکی از این تبعات و آثار عملی جنسیت شناسی اسلام است. چنین تأکیدی طبعاً محدودیتی بر ارتباطات میان فردی و گروهی است، البته محدودیتی که برای نیل به مصلحت و خیر بالاتری مطلوب، معقول و موجّه می‌گردد و مؤمنین را ملزم به طرح روابط (به معنای بسط معاشرت و همزیستی) با هم جنس می‌نماید و سطوحی عمده از روابط با غیر هم جنس (مگر محارم) را ممنوع و خطرناک می‌داند اما در شرایط ضرورت، با پوشاندگی نسبت به کمالات محرک و جذابیت‌های منحصر به فرد این عرصه مدیریت شده است. این پوشاندگی در احکام اسلامی حجاب نامیده شده است.

نهاد آموزش عالی مانند دیگر نهادهای مدرن اقباسی، از بدو ورود به جامعه ایران، نسبت به بسیاری از نظام‌های اجتماعی مألوف و مندرج در سنت ایرانی و اسلامی بیگانه بود و تافته‌ای جدا بافته قلمداد می‌شد. مثال شفاف این جدایی؛ ابزارها و نیز اهداف سیاستگذاری آموزش عالی مدرن (دانشگاه و آکادمی) و فاصله و تعارض آن با خرده نظام حقوقی به جامانده از سنت بود. اساساً در نهاد دانشگاه، جنسیت به مثابه متغیری مستقل، مورد نظر نبود و همه ورودی‌هایش را برای کارکرد «اشتغال» و «مولد بودن در مسیر اقتصاد» می‌پروراند و لذا برابری و تشابه در حق تحصیل، کیفیت تحصیل، محل و روش تحصیل و... را جستجو می‌کرد؛ حال آنکه اتفاقاً در خرده نظام حقوقی ما تصریح شده بود که دو جنسیت شبیه هم نیست و تأمین اقتصاد و اشتغال جامعه بر دوش مردان است تا زنان نقش‌های راهبردی دیگری را ایفا نمایند لذا دو بستر آموزشی و تربیتی مستقل داشتند. نهاد آموزش عالی و نقش‌های کارکردی آن اگر می‌خواست انطباق و همنوایی (پارسونزی) با نظام حقوقی این جامعه داشته باشد، باید تمایز و تفاوت جنسیتی را لحاظ می‌داشت و در روش و هدف، زنان ما را برای ارتقاء هویت و منزلت اجتماعی، زن بودن و تحقق نقش‌های خطیری چون مادری، تربیت می‌نمود. چنین نشد و البته در روش هم، نه تنها بر تفکیک و حفظ فاصله دختران و پسران در محیط آموزش، پژوهش و... (منظور نگاه متحجرانه و نفی معاشرت ضروری زن و مرد در جامعه

نیست) توجه نشد بلکه بر طبل فریبده اختلاط دختران و پسران کوبیده شد و این روابط و رفتارهای ناشی از آن، ارزشی مدرن و نمادی مدنی قلمداد شد، امری که پیش از هر چیز زمینه سوء استفاده از عواطف سرشار و بی نظیر دختران را فراهم می‌آورد. این در حالی است که مسیر حضور اجتماعی زن در مکتب اسلام هیچ‌گاه بسته و بن بست نیست و در محیطی سرشار از عفاف میسور می‌شود.

دو- حجاب و حکم آن

در موضوع عفاف، حدود نوزده آموزه و دستور در دین اسلام احصا شده است (علم الهدی، ۱۳۸۹: ۲۴۰-۲۴۳). حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنی پنهان کردن و منع از دخول است. حجاب به معنی پرده نیز هست. «وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ» (فصلت: ۵) (قرشی، ۱۳۷۱، ج: ۲، ۱۰۳). صاحب مفردات هم به همین معنا اشاره می‌کند: «الْحِجَابُ وَ الْحِجَابُ - یعنی باز داشتن و ممانعت از دسترسی و رسیدن به چیزی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۱۹). این واژه در فقه در معنای لغوی خود که همان پرده حائل میان دو چیز باشد به کار رفته و معنای جدیدی برای آن ایجاد نشده بود. در دوران متأخر این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشش خاص زنان اطلاق شده است. مطهری با اشاره به کلمه ستر که در قدیم به کار می‌رفته درباره حجاب می‌نویسد: «فقه‌ها چه در کتاب الصلوه و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده اند کلمه ستر را به کار برده اند نه کلمه حجاب را... معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خود نمایی نپردازد. آیات مربوطه، حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است بدون آن که کلمه حجاب را به کار برده باشد. آیه‌ای که در آن کلمه حجاب به کار رفته است مربوط است به زنان پیغمبر اسلام» (مطهری، ۱۳۷۳: ۷۹-۸۰). معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت است از پوششی که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوه‌گری و خود نمایی بپرهیزد. در این نوشتار نیز همین معنای اصطلاحی مورد نظر است، نه پرده نشینی زنان. تردیدی نیست که حجاب از احکام ضروری اسلام بوده و همه طوایف اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند.

واژه حجاب پنج بار در قرآن کریم ذکر شده است و تنها در یک مورد به پوشش زن از نامحرم اشاره دارد. «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...» (احزاب: ۵۳) در این آیه شریفه ضمیر «هن» به همسران رسول خدا برمی‌گردد، و درخواست متاع از ایشان کنایه است و معنایش این است که با همسران پیامبر از پس پرده صحبت کنید، به دلیل اینکه دل‌هایتان دچار وسوسه نشود. (طباطبائی،

۱. هنگامیکه چیزی از وسایل زندگی را (به عنوان عاریت) از آنان (همسران پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید، این کار برای پاک‌دل‌های شما و آنان بهتر است.

۱۴۱۷ق، ج۱۶: ۵۰۶) از کارکردهای مهم حجاب زنان تولید قلمرو مناسب جهت بهینه‌سازی رفتار غیر کلامی در ارتباطات و معاشرت می‌باشد که تأکیدات مهم در خصوص بلندی، گشادی، رنگ و طرح پوشش بالاتنه و اندازه، جنس، طرح و... پوشش پا، به مثابه مؤلفه‌هایی زبان دار در معرفی و ارتباط‌گیری زن با دیگران، تأمین‌کننده رفتار غیر کلامی خاصی برای زن مسلمان در جامعه است. بررسی حجاب از این منظر خود موضوع تحقیقات دیگری می‌تواند باشد (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۱۳۴-۱۳۶).

د) روش‌شناسی

گراند تئوری^۱ یا نظریه زمینه‌ای یا تئوری داده‌بنیاد یک روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکاء به تئوری‌های موجود، خود به تدوین تئوری اقدام کنند.

گلکسر و استراوس^۲ در سال (۱۹۶۷) که برای اولین بار این راهبرد اجرایی پژوهش کیفی را در کتاب خود مطرح کردند، موضوع اصلی آن را کشف تئوری بر اساس گردآوری نظام‌مند داده در پژوهش‌های علوم اجتماعی است. انگیزه اصلی از معرفی این تئوری رسیدن به مرحله‌ای از شناخت در مورد موضوع مورد مطالعه است که ما را قادر می‌سازد نظریه‌ای را که ساخته‌ایم بر اساس داده‌های واقعی استحکام بخشیم (گلکسر و استراوس، ۱۹۶۷).

استراوس و کوربین در یک تعریف مشابه گراند تئوری را این گونه تبیین کرده‌اند: «گراند تئوری (نظریه زمینه‌ای) یک روش پژوهش عمومی برای تولید تئوری است. منظور از نظریه زمینه‌ای، نظریه برگرفته از داده‌هایی است که در طی فرایند پژوهش به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استخراج می‌شود، در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار دارند. پژوهشگر به جای این که مطالعه خود را با نظریه از پیش تصور شده‌ای آغاز کند، کار را با یک حوزه مطالعاتی خاص شروع کرده، اجازه می‌دهد که نظریه از دل داده‌ها پدیدار شود. نظریه برگرفته از داده‌ها نسبت به نظریه‌ای که حاصل جمع آمدن یک سلسله مفاهیم بر اساس تجربه یا تأملات صرف است، با احتمال بیشتری می‌تواند نمایانگر واقعیت باشد و از آن‌جا که نظریه‌های زمینه‌ای از داده‌ها استخراج می‌شوند، می‌توانند با ایجاد بصیرت و ادراک عمیق‌تر، رهنمود مطمئنی برای عمل باشند» (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰: ۲۷۳).

در این روش از سه مرحله کدگذاری برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود که به ترتیب عبارتند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی. کدگذاری، فرایندی است که طی آن محقق به جدا سازی، مفهوم بندی و ادغام و یکپارچه کردن داده‌ها می‌پردازد. در این فرایند، واحد بنیادین «مفهوم» است. در کدگذاری باز می‌توان داده‌ها را سطر به سطر یا به صورت پاراگرافی کدگذاری و مفهوم بندی کرد. در مرحله بعدی این مفاهیم در کنار یکدیگر قرار گرفته و بر اساس اشتراکات، تشابهات یا همپوشی معنایی به صورت مقولات محوری آمده و در نهایت مقولات عمده در یک مقوله جدید به نام مقوله هسته که نسبت به دو مرحله گذشته انتزاعی‌تر است یکپارچه می‌شود. در این مرحله مهم‌ترین مقوله یا موضوع پژوهش نیز انتخاب می‌شود. این مفهوم استخراج شده نهایی و مقوله محوری باید دارای قدرت تحلیلی بوده و شمول معنایی آن در حدی باشد که بتواند دیگر مقولات را نیز در خود بگنجاند و ارتباط برقرار کند. انجام این سه مرحله از کدگذاری مستلزم دقت فراوان است. چرا که این مقولات در مدل زمینه‌ای نهایی حول مقوله گزینشی یا تم اصلی قرار می‌گیرند و شرایط، تعاملات و پیامدها را به تصویر می‌کشند. (محمدپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۱۵).

مراحل و چگونگی اجرای گراندد تئوری:

۱. تدوین پرسش‌های پژوهش
 ۲. گردآوری داده‌ها
 ۳. کدگذاری داده‌ها در سه مرحله
 - کدگذاری باز
 - کدگذاری محوری
 - کدگذاری انتخابی
 ۴. نوشتن یادداشت تحلیلی: ثبت اندیشه‌ها و تفسیر خود از داده‌ها
 ۵. نگارش و تدوین تئوری
- آخرین وظیفه محقق در گراندد تئوری این است که آنچه او از این تصویر می‌بیند را برای سایر افراد به تصویر کشد. در این مرحله تصویر پژوهش برای پژوهشگر از همیشه روشن‌تر است.
- ممکن است در ابتدا به نظر برسد که این روش رویکرد تبیینی دارد نه تجویزی؛ و بنابراین برای ارائه راهکارهای ارتقاء حجاب روش مناسبی نیست. به عبارت دیگر، با استفاده از این روش می‌توان سیاست‌های فعلی در ارتباط با حجاب را تبیین کرد؛ اما نمی‌توان گفت سیاست‌های مناسب چه باید باشد. پاسخ به این نکته در آنست که این مقاله هدفش تعمیم، تجویز متصلب و پیش‌بینی نبوده و نیست و پژوهشی که با این روش صورت گرفته، اساساً چنین ادعایی ندارد بلکه به دنبال فهم و کشف اجماع است. در یک مرحله با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای درک مسائل و مشکلات موضوع حجاب صورت می‌پذیرد و در مرحله

دیگر با استفاده از این همین روش، نظرات صاحب‌نظران در مورد راه حل‌های این مشکل به صورت نظام‌مند درمی‌آید. به عبارتی در مرحله دوم، درک راهکارهای صاحب‌نظران برای ارتقاء وضعیت حجاب و عفاف حاصل می‌شود و نظریه زمینه‌ای به صورت مستقیم راهکار ارائه نمی‌کند؛ بلکه راهکارهای حاصل از تجربیات موجود را انسجام می‌بخشد.

این پژوهش به دنبال پیدایش یک نظام نظری از میان نظرات اساتید و کارشناسانی است که به صورت گزینشی از میان جامعه شناسان، روانشناسان، متخصصان حوزه جنسیت، علوم تربیتی، علوم دینی و مسئولان و فعالان فعلی عرصه فرهنگ انتخاب شده بودند^۱. روش کسب داده‌ها، مصاحبه عمیق با این اساتید بوده است.

تلاش پژوهش معطوف به ساخت نظریه‌ای نه با پیش فرض‌های ذهنی پژوهشگر، بلکه از میان داده‌ها بوده است. در ابتدا در مرحله کدگذاری باز به هریک از اساتید یک حرف لاتین اختصاص داده شده و گزاره‌های موجود در متن گفتگو شماره‌گذاری و برای هر گزاره مفهومی استخراج شد. سپس در مرحله کدگذاری محوری با مرور و دقت فراوان گزاره‌های با موضوع یکسان و یا مشابه در محورهای سامان یافت. آنگاه در مرحله کدگذاری گزینشی مقوله‌های بحث را از یکدیگر تفکیک کرده و هر چند محور ذیل یک مقوله در نظر آمد. نتیجه این فرایند تفکیک ۴۴ محور و ۹ مقوله بود که در ادامه خواهد آمد.

در مرحله نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، یک مقوله به عنوان مقوله محوری انتخاب شده و در مرکز فرآیندی که در حال بررسی آن است (به عنوان پدیده مرکزی) قرار می‌گیرد و سپس دیگر مقوله‌ها به آن ربط داده می‌شود. این مقوله‌های دیگر عبارتند از شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، و پیامدها. این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است که الگوی کدگذاری (Axial Coding) (Paradigm) نامیده می‌شود. الگوی کدگذاری، روابط فی‌مابین شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و پیامدها را به تصویر می‌کشد (کریس ول، ۲۰۰۵: ۳۹۸).

در شکل زیر مقوله‌های به‌دست آمده در سمت راست و الگوی کدگذاری محوری در سمت چپ مشاهده می‌شود. با بررسی این الگو، شش مقوله از اطلاعات وجود دارد:

- ۱- شرایط علی (Causal Conditions) - مقوله‌هایی مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند؛
- ۲- زمینه (Context Conditions) - شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند؛

۱. اسامی صاحب‌نظرانی که مصاحبه عمیق با ایشان به عمل آمد عبارتست از: دکتر اسلامی، دکتر اشتریان، حجت الاسلام دکتر اکبری جدی، حجت الاسلام دکتر برمایی، دکتر بهشتیان، حجت الاسلام دکتر بهمنی، حجت الاسلام دکتر توانایی، حجت الاسلام دکتر شهیمیری، خانم دکتر صادقی، خانم دکتر علم الهدی، خانم دکتر فرهنگ‌پور، دکتر قدیری ایبانه، دکتر کرمی، دکتر محمدنژاد، دکتر مطهرنژاد و دکتر نورمحمد.

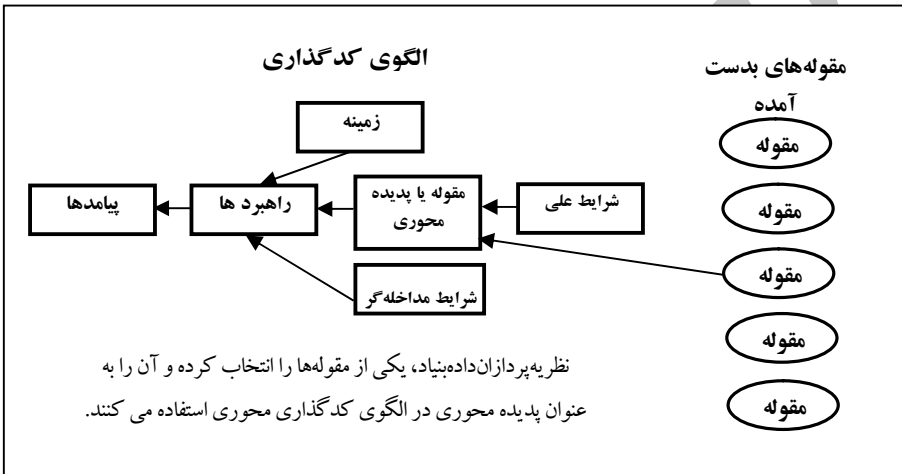
۳- مقوله محوری (Core Category or Phenomenon) - یک صورت ذهنی از پدیده‌ای که اساس فرآیند است؛

۴- شرایط مداخله‌گر (Intervening Conditions) - شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند؛

۵- راهبردها (Strategies) - کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود؛

۶- پیامدها (Consequences) - خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها.

شکل ۱. نظریه پردازی داده‌بنیاد (کریس ول، ۲۰۰۵: ۴۰۱)



به علاوه اگر الگوی کدگذاری را از راست به چپ نگاه کنیم، می‌بینیم که شرایط علی بر پدیده محوری اثر می‌گذارند، پدیده محوری و شرایط زمینه و مداخله‌گر بر راهبردها اثر می‌گذارند، و راهبردها بر پیامدها اثر می‌گذارند. مقوله محوری دارای ویژگی‌های زیر است:

- ۱- همه مقوله‌های اصلی بتوانند به آن ربط داده شوند.
- ۲- باید به کرات در داده‌ها ظاهر شود.
- ۳- توضیح ارتباط آن با مقولات واضح و روشن است.
- ۴- نام مقوله محوری به قدر کافی انتزاعی باشد تا بتواند ما را در شکل دهی به نظریه یاری کند.
- ۵- مفهوم در جریان تولید نظریه از نظر عمق و قدرت اکتشاف رشد پیدا کند.
- ۶- مفهوم قدرت تشریح نکته اصلی برآمده از داده‌ها و توضیح دگرگونی‌ها در قالب ایده محوری را دارا باشد. (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶).

۵) یافته‌ها

پس از جمع‌آوری و مقوله‌بندی پاسخ‌های سوالات پرسیده شده از مصاحبه‌شوندگان که هدفمند از بین مدیران فرهنگی دانشگاه و اساتید متخصص موضوع انتخاب شدند، کدگذاری باز صورت گرفت (بر اساس شماره گذاری عبارت‌ها و گزاره‌ها بطور جداگانه برای هر یک از کارشناسان). ابتدا گزاره‌های دارای موضوع یکسان یا مشابه در یک محور قرار گرفته (کدگذاری محوری) و پس از چندین مرتبه مرور گزاره‌ها و محورها، نه دسته از محورهای هم‌مقوله بدست آمد (کدگذاری گزینشی). این مقوله‌ها عبارتند از:

۱. مبانی و اصول برنامه ریزی فرهنگی در دانشگاه.
۲. تعریف، مفهوم و جایگاه عفاف و حجاب.
۳. انواع مخاطبان برنامه حجاب و عفاف.
۴. وضع موجود عفاف و حجاب در دانشگاه‌ها.
۵. مسائل و موانع آراستگی و عفاف.
۶. نقاط ضعف، علل و تشدیدکننده‌های بدحجابی
۷. راه‌کارهای رفع و حل
۸. بررسی رویه، مقررات و برنامه‌ها
۹. الزامات اجرایی ورود برنامه ریزانه به حوزه حجاب

در مقوله نخست ملاحظات جهانی‌بینی، ملاحظات هویتی و ملاحظات فرهنگی و نیز تغییرات فرهنگی و ارتقاء فرهنگی مورد توجه قرار گرفت. سپس در مقوله دوم تعریف، ماهیت، معنا و مفهوم، و حدود حجاب مورد بررسی قرار گرفت.

در مقوله سوم به طیف کنشگران و کنش‌های موافق و مخالف حجاب توجه داده شد. در مقوله بعدی با توجه به فهم درست از زمانه، شناخت شاخص‌های ارزیابی و سپس ارزیابی کیفی وضع موجود صورت گرفت. مقوله پنجم به دنبال شناخت مسائل و موانع تحقق حجاب در جامعه بود و لذا با نگاه قرآنی به بحث‌های پوشش، چالش‌های عدالت جنسیتی در آموزش عالی، توجه به مؤلفه‌های اجتماعی سیاسی، مؤلفه‌های ساختاری و هویتی و نیز به نقش منفی سیاست در موضوع حجاب پرداخته شد.

در مقوله ششم مجموعه نقاط ضعف، علل بدحجابی و تشدیدکننده‌های آن مورد توجه قرار گرفت که در این زمینه مهمترین محورها عبارت بودند از: سبک زندگی مدرن، تعارض سیاسی، کم‌رنگ شدن مرجعیت‌های ارزشی و فرهنگی سنتی، عاطفه‌گرایی و عوامل خرد فردی و روانی، نقص بعد شناختی و تبلیغی، و نقش تربیت خانوادگی و اساتید.

در مقوله هفتم ارائه منسجم راهکارهای مطرح شده مد نظر بوده است. از جمله توجه به ازدواج، برنامه ریزی فرهنگی، استفاده از ظرفیت مشارکت مردمی، ایجاد وفاق عمومی، اصلاح بُعد شناختی و ترویج ارزش‌ها، احیای مرجعیت‌های فرهنگی و ارزشی، تحقق هویت دانشگاهی، مدیریت مطالبات دختران برای

ورود به دانشگاه، ایجاد عزم سازمانی و تقدم اساتید بر دانشجویان، لزوم معرفت افزایی اساتید، ارتقاء اعتماد به نفس و عزت نفس و مسئولیت پذیری، رفع شبهات و اعتمادسازی و ارتباطات مؤثر مورد اشاره بوده اند. در مقوله هشتم به وضعیت موجود برنامه‌ها و قوانین، ویژگی‌های برنامه پیشنهادی، قوانین مورد نیاز و ویژگی‌های آن، نکاتی در مورد طرح تفکیک و اینکه موضوع حجاب زیر مجموعه‌ای از بحث اسلامی سازی است پرداخته شده است.

در مقوله نهم مجموعه‌ای از نکات، دقت‌ها و الزاماتی که در سخنان کارشناسان ذکر شد و در دسته‌بندی موضوعی فوق قرار نمی‌گرفت آمده است. اما از آنجا که بسیاری از این نکات پراکنده بوده و قابل دسته‌بندی نبودند به صورت مجموعی و یکجا آورده شده و مناسب است این نظرات نیز مورد دقت قرار گیرد.

هرگونه طرح یا برنامه یا مقرراتی که به منظور ارتقاء حجاب و عفاف تهیه می‌شود، باید ناظر به چند اصل باشد. مهم‌ترین ویژگی آن باید ارتقاء بعد شناختی و اقناع مخاطب بوسیله استدلال و با بیان زیبا، هنری و غیر مستقیم باشد تا این یافته‌ها در جان مخاطب تأثیر گذاشته و درونی شوند و موجبات رشد و تعالی انسان را در مسیر قرب الهی فراهم آورند. همچنین باید به تدریجی و بلند مدت بودن برنامه‌ها و دوری از برخورد قهرآمیز و انتظامی در محیط دانشگاه توجه داشت. باید در مباحث شناختی به حجاب به عنوان درون مایه‌ای فطری که وسیله رشد و تعالی بشر و مایه سعادت جامعه است اشاره کرد و در این زمینه از روش‌ها و تبلیغات نرم بهره برد.

نکته مهم دیگر توجه به ریشه‌های شکل‌گیری بدحجابی در دانشگاه است که عمدتاً مربوط به نقص بعد شناختی و آموزشی، سبک زندگی مدرن و لیبرال، صنعت مد و مدگرایی، پمپاژ ابتذال توسط رسانه‌های غربی و قبح زدایی و از بین بردن حیاء در روابط بین جنسیتی (با نامحرم)، ابراز تعارض سیاسی و اجتماعی، نیازهای روانی برای جلب توجه و خودنمایی، نیازهای غریزی، عدم معرفی و شناخت صحیح الگوهای اسلامی، و عدم مقاومت در برابر محیط و افراد غیر معتقد و گروه‌های مرجع اعم از دوستان، اساتید، روشنفکران بارز و خانواده می‌باشد.

عواملی نیز وجود دارند که به نحو غیر مستقیم موجب تشدید این وضع هستند که عبارتند از: ورود بیش از حد دختران به دانشگاه به منظور ادامه تحصیلات، تأخیر ازدواج، اشتغال بانوان، عدم تعریف نظام آموزش مخصوص بانوان با هدف و مسیر و آموزش‌های خاص، عدم ورود صحیح نهادهای مسئول نظیر نهاد روحانیت و رسانه‌ها و کم‌کاری ایشان در ترویج صحیح حجاب و روحیه عفاف و حیاء، عدم آگاه‌سازی از فلسفه حکم و عدم ایجاد اجماع و اقناع مخاطبان، و...

برای ثمربخش بودن فعالیت‌ها باید به تمامی امور فوق دقت کرد و برای هر مشکل مجموعه‌ای از راه حل‌ها را پیشنهاد و بررسی نمود تا بهترین، مؤثرترین، عمیق‌ترین و کم‌آسیب‌ترین راه‌ها برگزیده شوند. که در مقوله هفتم تحت عنوان راهکارها به مباحثی نظیر ترویج ازدواج آسان، ایجاد روحیه اعتماد به نفس و عزت نفس و مسئولیت پذیری، ارتباط مؤثر، دامن زدن به مباحث اخلاقی در دانشگاه، رفع شبهات و اعتماد

شبکه عوامل، زمینه‌ها و راه حل‌های مسأله حجاب ... ♦ ۴۶۳

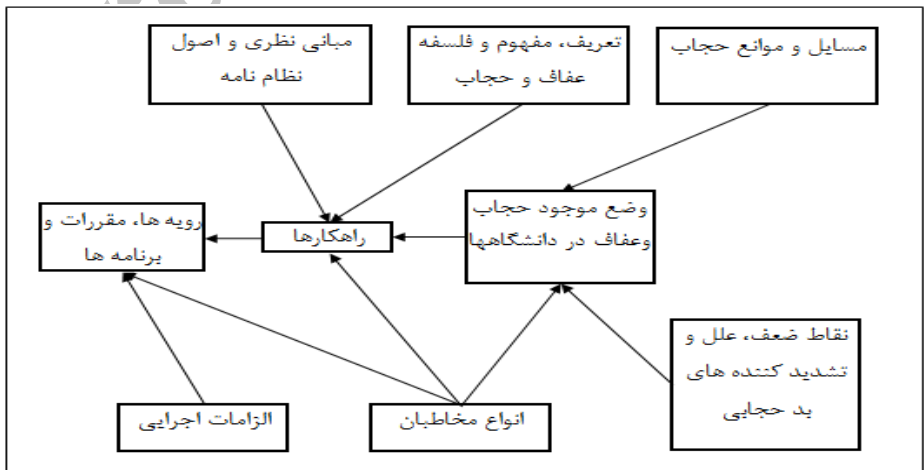
سازی، اقناع و ایجاد اجماع در مخاطبان، مدیریت مطالبات دختران برای ورود به دانشگاه، هویت بخشی به زنان خانه دار و ارزش دادن به سایر نقشها و امور ارزشمند غیر از تحصیلات، استفاده از ظرفیت‌های بالقوه اساتید، مدیران گروه، سایر دانشجویان و خانواده‌ها، احیای مرجعیت‌های دینی و فرهنگی و ملی و... به آن‌ها اشاره گردید.

امید است با در نظر گرفتن همه این عوامل، برنامه‌های جامع، منعطف و همه جانبه تدوین گردیده و مناسب با اقتضائات هر شهر و هر دانشگاه به شکل صحیح به اجرا در آید. لازم به ذکر است تمامی مجریان برنامه‌ها و طرح‌ها پیش از اجرای طرح باید نسبت به آن توجه شده و آموزش‌های لازم را دریافت نمایند و مخاطبان طرح را محدود به دانشجویان دختر ندانسته و برای تمامی جامعه دانشگاهی، هر گروه به فراخور شأن به اجرا در آید.

و) تشکیل نظریه

همانطور که قبلاً مطرح گردید در مرحله نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، یک مقوله را به عنوان مقوله محوری انتخاب کرده و آن را در مرکز فرآیندی که در حال بررسی به عنوان پدیده مرکزی است قرار داده و سپس دیگر مقوله‌ها را به آن ربط می‌دهیم. این مقوله‌های دیگر در یک دیدگاه کلی عبارتند از شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، و پیامدها. در این مرحله لازم است یک مقوله را از میان مقولات مطرح شده در قسمت قبل گزینش کرده و محور و مرکز مدل فرایندی قرار دهیم. همانطور که پیش تر در بحث روش شناسی مطرح شد لازم است این مقوله به تمام مقولات دیگر مرتبط باشد. در میان مقولات احصاء شده به نظر می‌رسد مقوله «راهکارها» چنین ویژگی‌هایی را دارد. لذا مطابق الگوی فرایندی چنین تصویری از بحث خواهیم داشت.

شکل ۲. الگوی فرایندی و روابط بین مقولات استخراج شده



در توضیح شکل می‌توان گفت آنچه که موجب شکل‌گیری وضع موجود حجاب و عفاف در دانشگاه‌ها شده است از دو موضوع ریشه می‌گیرد. اول وجود زمینه‌ها، مسائل و موانعی است که ریشه در فرهنگ، ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و خصوصاً ساختارهای علمی و آموزشی و دانشگاهی دارد. و عامل دوم نقاط ضعف، علل و تشدیدکننده‌هایی هستند که موجب شدت یافتن بدحجابی در دو دهه اخیر گذشته‌اند. نکته‌ای که نباید در شناخت وضع موجود از آن غفلت شود، طیف‌های گوناگونی از اقشار هستند که هر یک با زمینه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خاصی و با اهداف متفاوتی حجاب معیار را رعایت نمی‌کنند. در این حالت باید طیف‌های گوناگون را شناخت تا برای اصلاح و برنامه ریزی، همه افراد را یکسان نپنداریم.

پس از شناخت وضع موجود حجاب و عفاف، مسائل، موانع، نقاط ضعف، علل و تشدیدکننده‌های بدحجابی باید چاره‌اندیشی کرد. لذا از آنجا که حجاب ظاهری، نتیجه و معلول این عوامل است، باید برای هر یک از این عوامل و زمینه‌ها برنامه‌ای مرتبط و راهکاری مناسب در نظر گرفته شود. به این ترتیب برای حل هر یک از این موارد نیز ضرورت دارد که طیف مخاطبان آن مسئله را در نظر بگیریم و برنامه‌ای جامع نگر و کامل در هر زمینه ارائه کنیم. البته روشن است که اثرات این برنامه‌ها تدریجی بوده و در گام اول نتیجه آن عدم تشدید مشکل بدحجابی و اصلاح نگرش‌ها خواهد بود و به تدریج این برنامه‌ها موجب بهبود شرایط و وضعیت حجاب خواهند شد. در تعریف این راهکارها لازم است به سه موضوع توجه شود. یکی موضوع جهان‌بینی و مبانی نظری اسلامی و نوع نگاه به انسان و مبدأ و معاد اوست که باید راهکارها ناظر به این نوع نگرش باشد. دوم نه سلیقه‌های پوشش بلکه توجه به تعریف، معنا و مفهوم حجاب، حیاء و عفاف است که باید در راهکارها مطمئن نظر قرار گیرد. و سومین نکته بازهم توجه به انواع مخاطبان است که باید در راهکارها برای هر یک از این افراد که در این طیف قرار دارند برنامه مناسبی در نظر گرفت.

بررسی منسجم مسائل و مشکلات مرتبط با حجاب و عفاف در دانشگاه

اکنون برای آنکه دید جامع تری نسبت به مسائل و مشکلات داشته و بصورت مجموعی به علل و زمینه‌های مستقیم و غیر مستقیم بدست آوریم توجه به این جدول ضروری است.

جدول ۱. عوامل کلان و خرد در ایجاد پدیده بدحجابی

عوامل کلان	عوامل خرد	پدیده بدحجابی
۱- فقدان اعتقاد دینی (دین‌گریزی و دین‌ستیزی)	۱- برخورد قهرآمیز و یکسان‌گشت ارشاد با همه بدحجاب‌ها	
	۲- نگاه مادی، فردگرایی و لذت‌گرایی	
	۳- تهاجم فرهنگی و رسانه‌ای	
	۴- تاثیر خانواده، اقوام، دوستان، معلمان و اساتید	
	۵- لجاجت سیاسی	
	۶- تصور ناکارآمدی اسلام و نظام اسلامی در نتیجه مشکلات	

عوامل کلان	عوامل خرد	پدیده
۲- تاثیر شبهات پیرامون حجاب	۷- هوی و هوس	۳- عدم شناخت و اطلاع از حجاب، معنا، فلسفه و حدود آن
	۸- تضعیف مرجعیت‌های سنتی و تقویت فردیت مدرن	
	۹- ضعف روحانیت و رسانه در بازنمایی سبک در تبیین صحیح اندیشه و عقاید اسلامی	
	۱۰- تغییر پرشتاب ارزشهای فرهنگی و هنجارها، قبح زدایی و اختلاط	
	۱۱- ضعف تبلیغات و تبیین معارف و احکام ناشی از نارسایی ساختار قدرت و ثروت و عدم آموزش صحیح	
	۱- نگاه مادی، فردگرایی و لذت گرایی	
	۲- تصور وجود رابطه بین عربیانی و پیشرفت	
	۳- تصور ناکارآمدی اسلام و نظام اسلامی در نتیجه مشکلات	
	۴- تحقیر سنت گرایی و بی‌هنری و عقب مانده دانستن سنت گراها	
	۵- عدم جامعه پذیری نسبت به حجاب	
	۶- فمینیسم، آزادی خواهی و برابری خواهی	
۳- عدم شناخت و اطلاع از حجاب، معنا، فلسفه و حدود آن	۷- تهاجم فرهنگی و رسانه ای خارجی و داخلی علیه حجاب	۳- عدم شناخت و فقدان جهانی بینی نسبت به انسان و هدف خلقت او
	۸- تاثیر خانواده، اقوام، دوستان، معلمان و اساتید دانشگاه	
	۹- ضعف روحانیت و رسانه ها در تبیین معارف و پاسخ به شبهات	
	۱۰- دوگانگی رفتاری هنرپیشگان	
	۱۱- ترویج نادرست حجاب به عنوان الزام بی منطق	
	۱۲- ضعف و نارسایی تربیت در خانواده، مدرسه و رسانه ها	
	۱۳- سلوک و شبهه افکنی اساتید بی اعتقاد	
	۱- عدم شناخت و فقدان جهانی بینی نسبت به انسان و هدف خلقت او	
	۲- تضعیف مرجعیت‌های سنتی و تقویت فردیت مدرن به وسیله رسانه ها و پوشش و مدها	
	۳- کم‌رنج شدن نقش زنان در خانواده و تضعیف پیوندها و معنای زندگی و عدم تربیت فرزندان در خانواده و تضعیف هسته فرهنگ	
	۴- تبدیل شدن حجاب به یک سلیقه	
۵- عدم حضور معنا و فلسفه حجاب در ذهن نسل جوان و دانشجویان		
۶- برقراری ذابطه ضعیف بین دینداری و حجاب در ذهن نسل جوان		
۷- خلق نکردن معنا بواسطه قهرمان، اسطوره و الگوهای اقمی نظیر حضرت زهرا، حضرت خدیجه، حضرت زینب، حضرت مریم و...		
۸- ضعف روحانیت و رسانه ها در تبیین ابعاد مختلف حجاب		
۹- سرمایه گذاری اشتباه روی رفتار پوشش بجای سرمایه گذاری روی بینش و نگرش		
۱۰- ناهماهنگی نهاد های جامعه پذیر کننده مثل خانواده، آموزش و پرورش و رسانه ها و ضعف تربیت		
۱۱- مکمل نبودن دانشگاهها در امر تربیت نسبت به خانواده و مدرسه		

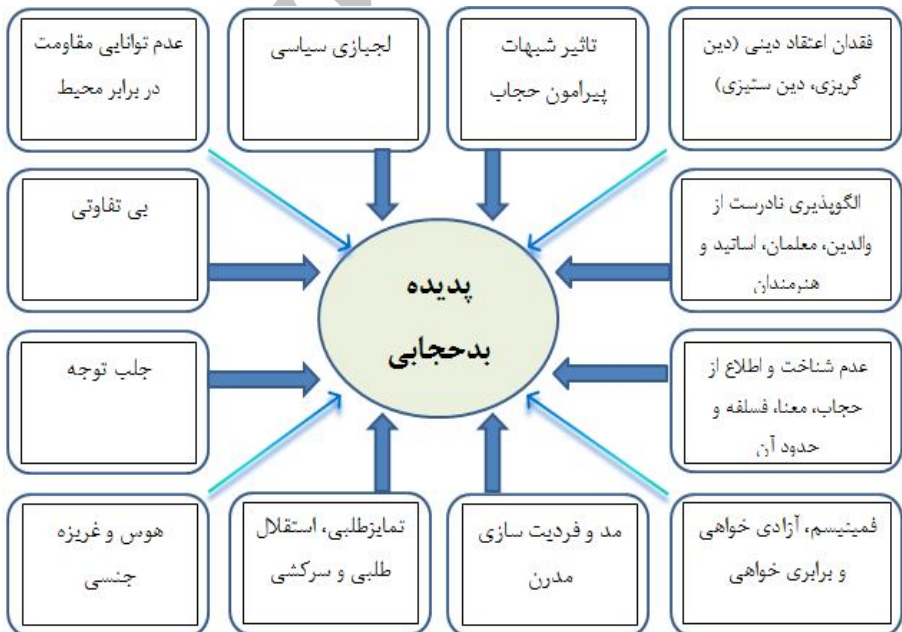
عوامل کلان	عوامل خرد	پدیده
۴- لجبازی سیاسی	۱۲- ترویج نادرست حجاب به عنوان الزام بی منطق	
	۱۳- تهاجم فرهنگی و رسانه ای	
	۱- تصور ناکارآمدی اسلام و نظام اسلامی در نتیجه مشکلات	
	۲- گسترش فمینیسم و آزادی خواهی و برابری خواهی	
	۳- حکومتی بودن حجاب و وجود جبر سیاسی و حکومتی نسبت به آن	
	۴- تبدیل شدن بدحجابی به نماد اعتراض سیاسی	
۵- بی تفاوتی	۵- برخورد قهرآمیز نامناسب و یکسان نیروی انتظامی با همه بد پوششان و تبدیل حجاب گریزها به حجاب ستیز	
	۶- ترویج نادرست حجاب به عنوان الزام بی منطق	
	۱- نگاه مادی، فرد گرایی و لذت گرایی	
	۲- ضعف فردیت مومنانه قوی و خودباوری	
	۳- ضعف احساس مسئولیت، اعتماد به نفس و عزت نفس	
	۴- تبدیل شدن حجاب به یک سلیقه	
۶- جلب توجه	۵- تغییر پرشتاب ارزشهای فرهنگی و هنجارها، قبح زدایی و اختلاط	
	۶- افراط در مدرنیسم و ارزشهای فرهنگ مدرن	
	۱- فرهنگ مدرن و لیبرال	
	۲- نگاه مادی، فرد گرایی و لذت گرایی	
	۳- نیاز جنسی، شهوت و هوس	
	۴- عدم حس ارزشمندی و توجه و محبت در خانواده	
۷- هوس و غریزه جنسی	۵- عدم وجود کانال های عزت نفس و خودباوری ارزشی و دینی	
	۶- تبدیل شدن جذابیت جنسی و ظاهری به ارزش اجتماعی	
	۷- بالا رفتن سن ازدواج و نگرانی از نیافتن همسر و رقابت در همسر گزینی و جلوه گری	
	۸- وجود احساسات، عشق و حس دلبری در دختران	
	۹- پرسه زنان و پاساژگردهای ساختار شکن	
	۱- نگاه مادی، فرد گرایی و لذت گرایی	
۸- تمایز طلبی،	۲- تصور وجود رابطه میان پیشرفت و عربانی	
	۳- زیاد بودن تحریک و تیرج در جامعه	
	۴- اقتضای سن نوجوانی و جوانی	
	۵- تاخیر در ازدواج	
	۶- تهاجم فرهنگی و رسانه ای و پمپاژی عفتی از سوی غرب	
	۷- تبدیل شدن جذابیت جنسی و ظاهری به ارزش اجتماعی	
	۸- گسترش عاطفه گرایی و دوری از عقلانیت	
	۹- پرسه زنان و پاساژگردهای ساختار شکن	
	۱- ویژگی های سنی نوجوانی	

عوامل کلان	عوامل خرد	پدیده
استقلال طلبی و سرکشی	۲- نگاه مادی و فردگرایی	
	۳- گسترش فمینیسم و آزادی خواهی و برابری خواهی	
	۴- لجبازی سیاسی و بیان تعارض سیاسی	
	۵- شکاف نسلی و تغییرات اقتصادی و فرهنگی	
	۶- ترویج نادرست حجاب به عنوان الزام بی منطق	
	۱- فرهنگ و سبک زندگی مدرن و تهاجم رسانه های مدرن داخلی و خارجی	
۹- مد و فردیت سازی مدرن	۲- نگاه مادی و فردگرایی	
	۳- فقدان جهانی بینی و هویت اسلامی	
	۴- هویت های در لحظه در عصر ارتباطات که مد به افراد معنا میدهد	
	۵- نقش پوشش و مد در تولید فردیت بواسطه به اشتراک گذاری فردیت	
	۶- از بین رفتن مرجعیت های سنتی و شکل گیری فردیت با رسانه و مد	
	۷- تبدیل شدن حجاب به یک سلیقه و از دست دادن معنا و مفهوم	
	۸- تنوع طلبی	
	۹- گسترش فمینیسم و حضور زیاد زنان در جامعه	
	۱۰- خلق نکردن معنا بواسطه قهرمان، اسطوره و عدم معرفی الگوها	
	۱۱- شکاف نسلی و تمایز طلبی بوسیله پوشش	
	۱۲- جلب توجه بوسیله مد	
۱۰- فمینیسم، آزادی خواهی و برابری خواهی	۱۳- گران بودن لباس های بلند و مناسب	
	۱۴- تحقیر سنت گرایی و تمسخر کسانی که مطابق مد نپوشند	
	۱- فرهنگ و سبک زندگی مدرن و تهاجم رسانه های مدرن داخلی و خارجی	
	۲- نگاه مادی و فردگرایی	
	۳- عدم شکل گیری جهانی بینی اسلامی در اذهان	
	۴- سیطره نظام آموزشی مردانه بر زنان	
	۵- تغییر نقش های سنتی و خانوادگی زنان در اثر فمینیسم	
	۶- تغییر زن از محور، مقوم و معنای زندگی بودن به نیروی کار بواسطه فمینیسم	
	۷- تضعیف مرجعیت های سنتی	
	۱- فرهنگ و سبک زندگی مدرن و تهاجم رسانه های مدرن داخلی و خارجی	
	۲- نگاه مادی و فردگرایی	
	۳- غریزه جنسی و هوس ها	
	۴- تضعیف مرجعیت های سنتی	
	۵- عدم شکل گیری هویت و جهانی بینی اسلامی	
۶- تغییر پرستاب ارزشها و هنجارهای فرهنگی و قبح زدایی از اختلاط		
۷- تضعیف هسته فرهنگ خودی با تغییر نقشهای زنان توسط فمینیسم		
۸- تحقیر سنت و بی هنری و عقب ماندگی دانستن پایبندی به سنت ها و دین در		
۱۱- عدم توانایی مقاومت در برابر محیط (نرسیدن به استغلاظ و استواء)		

عوامل کلان	عوامل خرد	پدیده
۱۲- الگوپذیری نادرست از والدین، معلمان، اساتید و هنرمندان	محیط جامعه و دانشگاه	
	۹- رقابت درهمسرگزینی	
	۱- عدم شکل گیری هویت و جهان بینی اسلامی	
	۲- عدم تربیت صحیح و مقاوم نبودن	
	۳- فرهنگ و سبک زندگی مدرن و تهاجم فرهنگی و رسانه ای	
	۴- خلق نکردن معنا بواسطه قهرمان سازی و اسطوره ها و عدم معرفی الگوهای اسلامی به مردم	
	۵- تضعیف مرجعیت های سنتی	
	۶- ناهماهنگی نهاد های جامعه پذیر کننده (خانواده، آموزش و پرورش و رسانه ها)	
	۷- ضعف روحانیت و رسانه ها در باز نمایی الگو های اسلامی	
	۸- دوگانگی رفتاری هنرپیشگان	
۹- ضعف تربیت در خانواده و عدم مقاومت در برابر سلوک و شبهات معلمان و اساتید		
۱۰- مکمل نبودن دانشگاه برای خانواده و مدرسه در حوزه تربیت دینی و تبیین عقاید و اخلاق اسلامی		

در این جدول مجموعه ای از عوامل کلان که موجب بدحجابی شده و عوامل خرد ذیل آن را بر شمردیم. مجموعه عوامل کلان تأثیر گذار بر پدیده بدحجابی را در شکل زیر ملاحظه نمایید.

شکل ۳. عوامل کلان تأثیر گذار بر پدیده بدحجابی



در شکل ۳ عوامل کلان مؤثری که مستقیماً بر پدیده بدحجابی تأثیر دارند مورد بررسی قرار گرفت. اما لازم است به دو عامل غیر مستقیم زمینه‌ای بسیار مهم یعنی اشتغال بانوان و تأخیر ازدواج که در جدول فوق کمتر به آنها اشاره شد پرداخته و ریشه‌های شکل‌گیری و پیامدهای آن را مورد بررسی قرار دهیم.

یک: اشتغال بانوان

در درجه اول آنچه مشوق بانوان برای کسب شغل و در آمدزایی است تسلط نظام آموزشی مردانه با هدف اشتغال بر نظام آموزش بانوان است. لذا بانوان برای استفاده از تحصیلات و راکد نماندن رو به بازار کار می‌آورند. عوامل دیگری همچون ارتقاء منزلت و موقعیت اجتماعی، کسب هویت اجتماعی، کسب درآمد و استقلال مالی نیز به عنوان اهداف فردی و خرد در این زمینه مؤثرند. همچنین نقص نظام حقوقی کشور در زمینه حقوق و وظایف خانوادگی و سپردن وظیفه تامین اقتصادی خانواده به عهده مردان و در مقابل ایجاد فرصت‌های برابر برای همگان به نوعی بی‌عدالتی در ساختار حقوقی دامن می‌زند.

اشتغال بانوان پیامدهایی نیز در سطح خانواده و جامعه خواهد داشت. مثلاً اختلاف میان همسران بر سر درآمد بانوان که با عدم انجام وظایف خانوادگی ایشان حاصل شده است یکی از این پیامدها است. از سوی دیگر اشتغال بانوان به معنی عدم حضور زنان در خانه و خانواده و تضعیف هسته فرهنگ و تضعیف نقش مادری مادران در تربیت فرزندان و نسل آینده می‌باشد.

پیامد دیگر حضور بانوان در عرصه اشتغال در جامعه، سستی پیوند خانواده و سردی عاطفی در خانواده است که نتیجه اختلاط و روابط با نامحرم در طول روز و در محیط کار است. این سردی عاطفی خانوادگی در مردان و زنانی که در محیط کار با نامحرم اختلاط دارند بسیار دیده می‌شود.

تأخیر در ازدواج یکی دیگر از پیامدهای اشتغال بانوان است. به این صورت که با اشتغال بانوان، مردان از بخشی از ظرفیت شغلی کشور محروم شده و این امر به بحران اشتغال در کشور دامن می‌زند و مردی که شاغل نباشد ازدواج خود را به تأخیر می‌اندازد. از جهت دیگر استقلال مالی بانوان موجب کاهش انگیزه آنان برای ازدواج شده و قدرت اقتصادی که مزیت نسبی آقایان بود از بین رفته و موجب احساس عدم نیاز و تأخیر ازدواج بانوان می‌شود.

دو: تأخیر در ازدواج

یکی از دلایل تأخیر در ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج، همانطور که ذکر شد مشکل بیکاری مردان است که طبعاً اشتغال زنان به مثابه علتی ناقصه به آن دامن می‌زند.

البته عوامل دیگری نیز در این زمینه مؤثر است. کاهش مطلوبیت فرهنگی و ارزشمندی ازدواج در جامعه و خصوصاً در نزد دختران بسیار مهم است که عواملی همچون تحصیلات دانشگاهی، عدم آمادگی پذیرفتن مسئولیت خانواده و ازدواج، و در نتیجه تربیت نادرست و عدم آموزش، انتشار عاطفه‌گرایی و

پاسخ به نیازهای عاطفی از طریق روابط اجتماعی با نامحرم، کاهش نیاز اقتصادی بانوان بواسطه اشتغال و استقلال مالی و... در آن مؤثر است.

تأخیر در ازدواج پیامدهای ناگواری نیز در سطح خانواده و جامعه دارد. مشکل برطرف نشدن نیازهای عاطفی و جنسی افراد برای مدت طولانی و ایجاد عقده‌های عاطفی، روانی و جنسی، یا در مقابل عدم حفظ عفت و آلوده شدن به گناهان اولین اثر بالا رفتن سن ازدواج است.

از سوی دیگر تأخیر در ازدواج به طور طبیعی منجر به کاهش سن باروری و کاهش فرزند آوری، در نتیجه محدود شدن نسل، مشکلات جمعیتی و نیز ایجاد اختلاف سنی زیاد با فرزندان می‌شود. این امر موجب ایجاد شکاف نسلی و فرهنگی بین والدین و فرزندان می‌شود. همچنین موجب تضعیف انتقال ارزش‌های فرهنگی و سستی هسته خانواده و فرهنگ و نیز سستی روابط خانوادگی خواهد شد که هر یک از این موارد نیز پیامدهایی در پی خواهد داشت.

با توجه این مسائل و مشکلات، راهکارهای مد نظر اساتید و کارشناسان برای ارتقاء وضعیت موجود مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بررسی منسجم راهکارهای ارتقاء حجاب در دانشگاه

مطابق الگوی فرایندی که در ابتدای این بحث ارائه شد در بررسی راهکارها باید ضمن توجه به طیف مخاطبان برای حل هریک مسائل و مشکلات برنامه ریزی و خط مشی‌گزاری صورت گیرد. در اینجا این راهکارها، خط مشی‌ها و پیشنهادها که از مصاحبه‌ها استخراج شده‌اند را بصورت منسجم ارائه خواهیم کرد.

جدول ۲. راهکارهای ارتقاء حجاب و عفاف در دانشگاهها

پیشنهادها	خط مشی‌ها	
۱. معرفی الگوی جدید اسلامی برای زنان که مخالف تبعیض‌های سنتی و حافظ ارزش‌ها و نقش‌های سنتی بوده و به حضور اجتماعی سیاسی علمی و فرهنگی ترغیب می‌نماید	۱- اصلاح بعد شناختی، آگاه‌سازی، اقناع، تبلیغ مؤثر و هنرمندانه و استفاده از رسانه‌ها به شکل مطلوب	راهکارهای ارتقاء حجاب در دانشگاهها
۲. توجه به بعد معنوی و عبادی حجاب		
۳. آگاه‌سازی تبیین علل واقعی پیشرفت غرب		
۴. حجاب هویت ملی ایرانیان است و تشخیص در پوشیدگی و برهنگی بر فرهنگی است		
۵. اصلاح نگرش مردان در مورد زیبایی		
۶. حجاب به عنوان پذیرش آگاهانه اخلاقی و رفتاری و درون مایه فطری		

۷. توجه دادن به فلسفه و معنای حجاب (حیا و عفاف) به جای سلیقه و نوع حجاب	
۸. تقویت بعد شناختی در معارف و احکام شریعت و تقویت فرهنگ حیا و عفاف	
۹. توجه به بعد معنوی بشر و توجه به ابعاد معرفتی، تربیتی و گفتمانی	
۱۰. تقویت بعد شناختی، اعتقادی و ایجاد استانداردهای پوشش برای گروه میانه کمتر ملتزم	
۱۱. اصلاح نگاه به حجاب	
۱۲. اقتناع عقلی نسبت به لزوم حجاب در جامعه	
۱۳. انتقال ارزش‌ها به نحو صحیح توسط نهادهای آموزشی و رسانه	
۱۴. اصلاح نحوه آموزش حجاب در مدارس	
۱۵. اقتناع در نسل بعدی موثر است (تاثیر بلند مدت اقتناع)	
۱۶. عدم ترویج سبک زندگی غربی	
۱۷. بازنمایی سبک زندگی اسلامی توسط رسانه و روحانیت	
۱۸. القای ارزش‌ها به هنرمندان برای فرهنگسازی	
۱۹. استفاده صحیح از هنر	
۲۰. برپایی کرسی آزاد اندیشی برای تاثیرگذاری بر هنرمندان	
۲۱. تقویت همزمان بعد شناختی و رفتاری و جامعه پذیری	
۲۲. توجه همزمان به جامعه پذیری و نظارت اجتماعی	
۲۳. بهره‌گیری از افراد مقبول برای بیان مستدل بینشهای صحیح و ارزشها	
۲۴. آموزش صحیح و توجه دادن و اصلاح ابعاد شناختی، اخلاقی، فطری، فلسفی حجاب	
۲۵. اصلاح عادات	
۲۶. ارزش شدن حجاب	
۲۷. اصلاح بعد شناختی و رفتاری مردان	
۲۸. آگاه‌سازی آثار مخرب آرایش و بدحجابی بر خانواده‌ها	
۲۹. ایجاد اجماع در اساتید در موضوع کاهش اختلاط	
۳۰. بازسازی اعتماد به نظام سیاسی	
۳۱. توضیح علل مشکلات و تبیین تلاشها و پاسخ‌گو بودن و شفاف‌سازی	
۳۲. برپایی کرسی آزاد اندیشی و عدم برخورد سلیقه‌ای	
۳۳. همراهی با دانشجو و برخورد نرم تقویت بعد شناختی و استدلالی	

۳۴. اهمیت مفاهیم تربیتی نسبت به سلايق تربیتی		
۳۵. تبیین آثار رعایت حجاب و معیار و عدم رعایت آن		
۳۶. ایجاد تقدس برای علم و عالم و متعلم و اخلاق علمی		
۳۷. ایجاد اجماع در جامعه توسط رسانه ها برای مقابله با بدحجابی		
۳۸. اهمیت ارتباطات موثر در ترویج حجاب		
۳۹. اهمیت بهره بردن از روشهای تبلیغی و ترویجی		
۴۰. تبلیغات غیر مستقیم مداوم و تدریجی و جذب حداکثری		
۴۱. عدم برخورد سلیقه ای و عدم ایجاد مقاومت		
۱. سیاستگذاری آموزشی و تمایز مسیر و هدف آموزش دختران برای هویت بخشی به ایشان	<p>۲- اصلاح ساختارهای دانشگاه و نظام آموزشی</p>	
۲. تفاوت نظام آموزش دخترانه از نظام پسرانه در راستای ایجاد عدالت آموزشی		
۳. اصلاح مقررات، فضا سازی محیط اخلاقی و انگیزشی، محیط مناسب برای رشد و تعالی، محیط یادگیرنده و پاسخ ده		
۴. ایجاد راههای جایگزین دانشگاه برای دختران		
۵. بومی گزینی دانشجویان برای کاهش آثار زیانبار مهاجرت و زندگی خوابگاهی		
۶. کاهش جذب دانشجوی دختر		
۷. افزایش سهمیه پسران		
۸. قرار دادن معادل سربازی برای دختران و امتیاز قرار دادن برای سربازی رفته ها		
۹. انتخاب افراد متعهد به عنوان مدیران گروههای آموزشی		
۱۰. لزوم گزینش اساتید دانشگاه		
۱۱. سیاست کاهش اختلاط های غیر ضروری		
۱۲. ایجاد قالبهایی برای شناخت دانشجویان از یکدیگر و همسرگزینی		
۱۳. ایجاد دانشگاه های تک جنسیتی طراز اول		
۱۴. اصلاح فلسفه علم		
۱۵. تعریف علم دینی و دانشگاه اسلامی		
۱. اصلاح مقررات، فضا سازی محیط اخلاقی و انگیزشی، محیط مناسب برای رشد و تعالی، محیط یادگیرنده و پاسخ ده	<p>۳- توجه به دانشگاه سالم و سالم سازی محیط</p>	
۲. ترویج پیام قرآنی کنترل نگاه و حفظ عفت		
۳. ترویج پیام قرآنی پوشاندن زینت های غیر ظاهر در زنان		

۴. بهسازی محیط آموزشی با سیاست تلقین، اجبار و نهایتاً اخراج برای افراد انگشت شمار ساختار شکن		
۵. پرهیز از جلب توجه در دانشگاه و حفظ شان محیط علمی		
۶. ممنوعیت تحریک شهوات		
۷. احترام به علم و محیط علمی		
۸. ایجاد فضاهای مخصوص بانوان در دانشگاهها		
۹. ایجاد تقدس برای علم و عالم و متعلم و اخلاق علمی		
۱۰. جلوگیری از قبح‌زدایی توسط افراد مقبول		
۱۱. پرهیز از ترویج سبک زندگی غربی		
۱۲. کنترل و اصلاح اساتید غیر متعهد		
۱۳. برجسته کردن اساتید محجبه موفق		
۱۴. لزوم گزینش اساتید		
۱۵. لزوم پالایش اساتید ناسالم و معاند		
۱۶. حفظ حرمت ارزشها توسط اساتید		
۱۷. ثبات رویه‌ها و لزوم رعایت پوشش معیار با ثبات		
۱۸. ایجاد محیط انضباط‌گرا در دانشگاه		
۱۹. سیاست کاهش اختلاط غیر ضروری		
۲۰. کار سلبی و ایجابی همزمان		
۱. احیای ارزش ازدواج	۴- ترویج ازدواج	
۲. ترویج و تسهیل ازدواج دانشجویی با مسئولیت محدود		
۳. ترویج ازدواج آسان و کاهش هزینه ازدواج		
۴. افزایش تسهیلات دولت برای ازدواج		
۵. ترویج ازدواج دختران در دبیرستان		
۶. بهره بردن از ویژگی طلب در مردان		
۷. افزایش هزینه اجتماعی رفتارهای انحرافی		
۸. ایجاد قالب‌هایی برای شناخت دانشجویان از یکدیگر و همسرگزینی		
۱. استفاده از ظرفیت فکری زنان برای تولید علم و هویت بخشی به زنان	۵- هویت بخشی و احیای مرجعیت‌ها	
۲. تقویت هویت دانشجویی در دوره لیسانس و برنامه ریزی برای هویت		
۳. ایجاد شخصیت، خودباوری، اعتماد به نفس، عزت نفس و حس ارزشمندی در نسل جوان		

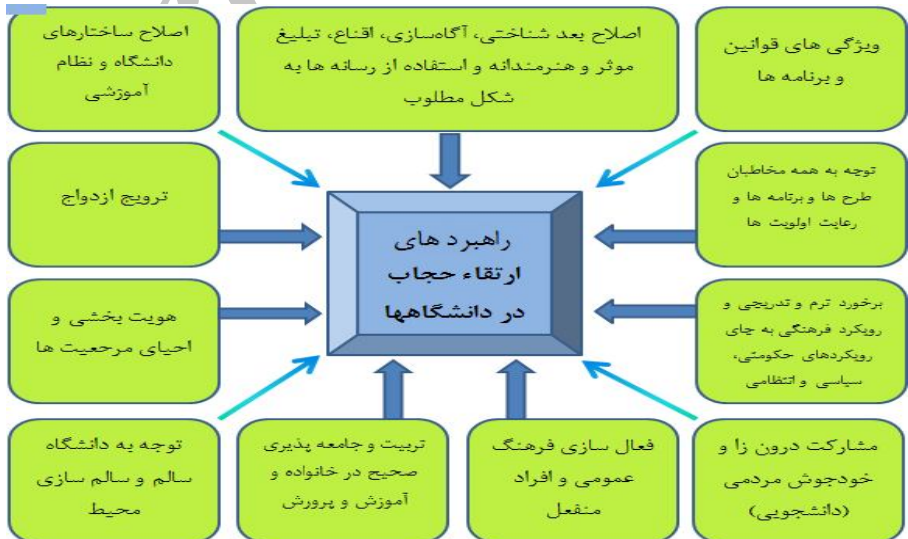
۴. ایجاد هویت به وسیله پیوند با مرجعیت هایی مثل دین، قومیت، زبان، ادبیات، هنر و خانواده	
۵. احیای مرجعیت ها به منظور ایجاد مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی غرب و رسانه های مدرن	
۶. خلق معنا ها و قهرمان و اسطوره سازی و معرفی الگوهای واقعی در فرهنگ اسلامی	
۷. تقویت هویت دانشگاهی در دانشگاههای مطرح	
۸. هویت بخشی با لباس فرم	
۹. اهمیت دادن به جوانان	
۱۰. ایجاد هویت اجتماعی برای همه زنان خصوصا زنان خانه دار	
۱. لزوم آموزش حیا و خودکنترلی در خانواده	<p>۶- تربیت و جامعه پذیری صحیح در خانواده و آموزش و پرورش</p>
۲. ایجاد ملکه عفت در روابط خانوادگی	
۳. تربیت ضابطه مند بجای تربیت آمرانه یا آزادانه	
۴. آموزش حیای عاقلانه نه حیای احمقانه	
۵. عدم برخورد سلیقه ای و آموزش مفاهیم بجای سلیاق	
۱. ایجاد حساسیت لازم در برخورد با بدپوششان در جامعه و دانشگاه	<p>۷- فعال سازی فرهنگ عمومی و افراد منفعل</p>
۲. فعال سازی و حساس سازی افراد منفعل و برخورد های نرم و دوستانه و تدریجی از سوی دانشجویان فعال شده	
۳. ترغیب گروه منفعل الگو پذیر مثبت به مشارکت در تشکل ها و پیشرانی فرهنگی	
۴. لزوم اعتماد به مردم و دانشجویان و کمک گرفتن از آنها	
۵. پرهیز از حکومتی کردن حجاب و گسترش نقش مردم و دانشجویان	
۶. فعالسازی و ورود تشکل های دانشجویی	
۷. احیای احساس مسئولیت و مبارزه با بی تفاوتی در اساتید و دانشجویان	
۸. استفاده از ظرفیت مدیران گروههای آموزشی	
۹. انتقال دغدغه ها و احساس مسئولیت در اساتید	
۱۰. انتقال حساسیت ها و دغدغه ها در دوره های ضمن خدمت و استفاده از بزرگان	
۱۱. انتقال حساسیت به روسای دانشکده ها با احترامات فائده	
۱. لزوم اعتماد به مردم و کمک گرفتن از آنها	<p>۸- مشارکت درون زا و خودجوش مردمی</p>
۲. پرهیز از حکومتی کردن حجاب و گسترش نقش مردم	

۳. حمایت از کارهای خودجوش درون‌زا و وجدان‌کاری مردم	(دانشجویی)	
۴. استفاده از روش‌های تشکیلاتی برای تکثیر کارهای خیر ساده و کوچک در حد وسیع		
۵. مطرح کردن ارزشها در قالب خواسته‌های صنفی دانشجویی		
۶. تذکر لسانی اساتید به زبان نرم به جای رویکرد انتظامی		
۷. کمک گرفتن از جامعه دانشگاهی برای اصلاح دانشگاه		
۱. عدم برخورد قهری و ایجاد عدالت		۹- برخورد نرم و تدریجی و رویکرد فرهنگی به جای رویکردهای حکومتی، سیاسی و انتظامی
۲. پلیسی نشدن و غیر رسمی بودن برنامه‌ها		
۳. تقدم رویکرد رسانه‌ای و فرهنگی و ارتباطات موثر و هدایتگر		
۴. نسبت به برخوردهای قهری		
۵. پرهیز از برخورد سیاسی یا قهر آمیز با بدحجابی		
۶. تقویت رویکرد اجتماعی به حجاب به جای رویکرد سیاسی		
۷. استفاده از ظرفیت مدیران گروه‌های آموزشی		
۸. اهمیت آزادی بیان در مسئله حجاب		
۹. برپایی کرسی‌های آزاداندیشی و عدم برخوردهای سلیقه‌ای		
۱۰. همراهی کردن با دانشجویان و بیان استدلالی و معرفتی		
۱۱. توجه به مراحل‌های تدریجی تذکر و برخورد		
۱۲. حفظ احساس آزادی توأم با اجرای ضوابط و انضباط محیطی		
۱۳. عدم دخالت نهاد‌های قانونی و پلیس و مشارکت خانواده‌ها		
۱۴. کمک گرفتن از جامعه دانشگاهی برای اصلاح دانشگاه		
۱۵. عدم برخورد سلیقه‌ای و عدم ایجاد مقاومت در مخاطبان		
۱. مخاطبان طرح‌ها به ترتیب اولویت: مدیران، اساتید، کارکنان، دانشجویان پسر، دانشجویان دختر و خانواده‌ها	۱۰- توجه به همه مخاطبان طرح‌ها و برنامه‌ها و رعایت اولویت‌ها	
۲. لزوم توجه به ویژگی‌های سنی و روانی دانشجویان		
۳. توجه به همه مخاطبان و همه گروه‌ها در تدوین و اجرای سیاست		
۴. بهسازی محیط آموزشی با سیاست تلقین، اجبار و نهایتاً اخراج برای افراد انگشت شمار ساختارشکن		
۵. هوشیارسازی و تقویت بعد شناختی، اعتقادی و ایجاد استناداردهای پوشش برای گروه میانه کمتر ملتزم		
۶. ترغیب گروه منفعل الگو پذیر مثبت به مشارکت در تشکل‌ها و پیشرانی فرهنگی		

۱. اصلاح نارسایی های قوانین و نظام حقوقی و سیاست های اشتغال زنان	<p>۱۱- ویژگی های قوانین و برنامه ها</p>
۲. اصلاح سیاست های کلان اجتماعی	
۳. توجه به پیشگیری به جای درمان	
۴. صبر داشتن در کسب نتیجه و بلند مدت دیدن برنامه ها و تدریجی بودن تغییر نگرش ها	
۵. حفظ احساس آزادی و امنیت روانی در عین اجرای ضوابط و ایجاد محیط انضباط گرا	
۶. توجه به همه مخاطبان و گروه ها	
۷. تدوین مقررات متناسب با اقتضانات هر شهر و دانشگاه	
۸. توأم بودن کار سلبی و ایجابی	
۹. اصلاح فرایندها و روش ها بجای برخورد دستوری و بخشنامه ای	
۱۰. آگاه سازی و تبیین طرح ها و برنامه ها و اقناع پیشینی	
۱۱. استفاده از واژگان دارای بار معنایی مثبت و جذاب برای طرح ها و برنامه ها	
۱۲. کمک گرفتن از جامعه دانشگاهی برای اصلاح دانشگاه	

در این جدول یازده خط مشی برای ارتقاء شاخص های حجاب و عفاف در دانشگاه ها ذکر شد که هر یک از این خط مشی ها خود مشتمل بر چندین پیشنهاد اجرایی (اقدام) می باشد (البته در این گزارش به آنها پرداخته نشده است).

شکل ۴. راهبردهای ارتقاء حجاب در دانشگاهها



این شکل خلاصه جدول فوق است که خط مشی‌های برخورد با مشکل را در عرصه‌های گوناگون به نمایش می‌گذارد.

ز) نتیجه‌گیری

در مقایسه با عوامل کلان بدحجابی که پیش‌تر ذکر شد، این خط‌مشی‌ها اگرچه تا حدودی ناظر به آن عوامل می‌باشد؛ اما در تناظر یک به یک با آنها نیستند. علت این امر آن است که پدیده بدحجابی نتیجه فرایندهای مختلف و پیچیده‌ای است که عوامل مستقیم آن نیز خود ریشه در عوامل دیگری دارند. لذا برای اصلاح محصول باید اصلاح ریشه‌ها و فرایندها را مد نظر قرار داد. اگرچه اصلاح اجباری رفتار و ظاهر افراد در کوتاه مدت با قوه قهریه شدنی است؛ اما هرگز درمان این مشکل اجتماعی نخواهد بود و حتی ممکن است پیامدهای ناگواری نیز داشته باشد. لذا با در نظر گرفتن همه موارد این خط‌مشی‌ها می‌تواند به برنامه‌های خردتری تبدیل شده و قابلیت اجرایی پیدا کنند. ناگفته پیداست که موفقیت هر طرح و برنامه در گرو اجرای سنجیده و پخته و پرهیز از شتابزدگی و همراه با تدبیر و عقلانیت است و چنانچه بهترین برنامه‌ها و طرح‌ها ناقص و ناپخته اجرا شوند محکوم به شکست خواهند بود.



Archive

منابع

- دانایی فرد، حسن و امامی، سید مجتبی (۱۳۸۶)؛ استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده بنیاد. اندیشه مدیریت، شماره دوم.
- راسل، ایکاف (۱۳۸۰) برنامه ریزی تعاملی، ترجمه سهراب خلیلی، تهران: مرکز.
- سند دانشگاه اسلامی، مصوب جلسه ۷۳۵ مورخ ۹۲/۴/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیرخانه شورای اسلامی شدن...
- طالبی، ابوتراب (۱۳۸۰)، عملکرد دینی دانشجویان و نمادهای دین‌داری در میان دانشجویان دختر در سال ۱۳۷۴، نامه پژوهش، شماره ۲۱.
- فرجی، مهدی و حمیدی نفیسه (۱۳۸۷)، فرهنگ پوشش و حجاب در زندگی روزمره‌ی زنان ایران. سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی.
- فرجی، مهدی و حمیدی نفیسه (۱۳۸۹)، پوشش و حجاب زنان ایران، سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی.
- لاکلائو و موف (۱۳۹۲)، استراتژی سوسیالیستی، تهران: نشر ثالث.
- محمد پور و دیگران (۱۳۸۸)، بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه ای. فصلنامه خانواده پژوهی، شماره نوزدهم.
- منصوریان، یزدان؛ گراند توری: نظریه سازی استقرایی بر اساس داده های واقعی. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت. ۱۳۸۶.
- ویلیام دان (بی تا)، سیاستگذاری عمومی و تحلیل سیاست ها، ترجمه کیومرث اشتریان و همکاران، قابل بازیابی در: <http://policymaking.blogspot.com/1390/07/25/post-13> / تاریخ بازیابی ۹۲/۹/۱۷
- هاوالت، مایکل و ام. رامش (۱۳۸۰)، مطالعه خط مشی عمومی؛ ترجمه عباس منوریان، ابراهیم گلشن، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- Creswell, J. W. (2005), *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (2nd edition).
- Glaser, B. and Strauss, A. (1967), *The Discovery of the Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, New York. Aldine de Gruyter
- Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet (1990), *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, Sage.

